

پیشگفتار

امروزه نظریه‌های تربیتی و تاریخ تربیت در جهان مورد توجه‌اند و این نتیجه به دست آمده‌است که نحوه عمل تربیت باید با محکهای انتقادی واضح و آشکار گردد. ما می‌دانیم که تربیت بدون در نظر گرفتن اهداف و مقاصدش بناچار گرفتار بلایی به نام تنگ نظری می‌شود.

مؤلف در این کتاب درباره اصول اندیشه‌های تربیتی، هم از نظر فلسفی و هم از لحاظ دینی به جستجو پرداخته‌است. تعلیمات دینی و تربیتی در سده‌های متمادی یکی بوده‌اند. در عصر جدید مردانی نظیر پستالوزی^۱ و فروبل^۲ در اصلاحات تربیتی خود از آرمانهای مذهبی خویش‌الهام گرفته‌اند. تربیت و مذهب اساساً به ساقهای واحدی توجه دارند. هر دو به بشر آن طور که باید باشد، ذی علاقه‌اند. هر دو از ماده‌گرایی در عذابند و هر دو بازسازی قلب و ذهن را آرزو می‌کنند. هر دو به الهامات پیشوایان استثنایی وابسته‌اند. هر دو نه تنها زمان حال را در نظر می‌گیرند، بلکه به آینده دور نیز علاقه دارند. هر دو خواهان یک عقیده بی‌ریای اخلاقی‌اند که برتر از نفع شخصی باشد؛ بنابراین ما نمی‌توانیم تاریخ اندیشه‌های تربیتی را بدون فهم اصول مذهبی آنها دریابیم.

برداشت مؤلف از اصول فلسفی اندیشه‌های تربیتی جنبه جهانی دارد. جهانی بودن در تربیت بدین معنا است که انسان سعه صدر داشته باشد و حقایق و بصیرتهای تازه را از هر کجا باشد با آغوش باز بپذیرد. مؤلف کوشیده است تا نه تنها اثر افکار فلسفی مسیحی را بر تربیت نشان دهد، بلکه اثرهای اسلام، چین باستان، یونان و هند قدیم را نیز آشکار سازد. ما وقتی پیشرفت می‌کنیم که یاد بگیریم و وقتی روشن‌گر می‌شویم که بر تعصب فائق آییم. شرق قادر است فضیلت تفکر روحانی را به ما امریکاییان بیاموزد؛ یعنی چیزی که فرهنگ فعالیت‌گرای امریکا بدان احتیاج مبرم دارد.

در سه قرن گذشته پیشرفتهای علمی نمایانی صورت گرفته‌است. علم به معنای روشی برای تسلط بر قوای طبیعت از زمان رنسانس آغاز می‌شود، ولی دورنمای دلفریبی را نوید نمی‌دهد. بسا که علم در دست تاریک‌اندیشان وسیله‌ای جهت نابودی کامل گردد. از طرف دیگر، در صورتی که روش علمی در نظام تربیتی ما معمول گردد، ممکن است تغییر واقعی در عادات بشری ایجاد شود، موجب رونق سعه صدر حقیقی گردد، روح همکاری ایجاد کند و سرانجام موجب تشدید خصلت فرضیه‌گرایی گردد؛ خصلتی که اساس پیشرفتهای علمی ما بوده‌است؛ اما علم تنها کافی نیست، ما به اخلاق واقعی و معنویت حقیقی نیز نیازمندیم. تنها وقتی که علم در راه بهبود بشر به کار برود و وقتی تربیت، فلسفه و مذهب باهم متحد گردند دوران تازه‌ای برای بشریت طلوع خواهد کرد.

مدار این کتاب بر این قرار گرفته‌است که خلاقیت را به مثابه یک مفهوم اساسی در اندیشه‌های تربیتی بپروراند. تلاش بشر برای تربیت در عین حال مظهر پژوهش او برای خلاقیت است. خلاق بودن به معنای این است که انسان استعداد صاحب‌نظر شدن را داشته باشد، بتواند استعدادهای خود را تحت انضباط درآورد، هدفهای تازه را تجسم کند و آنها را در زندگی روزمره به کار ببرد. تربیت خلاق اهمیت دادن به وجود بشر را

^۱ Pestalozzi

^۲ Froebel

می‌رساند و به استعداد عقلانی و اخلاقی او ایمان تزلزل ناپذیر دارد و از این راه می‌تواند شکافی را که بین قلمرو فکر و عمل موجود است باریکتر سازد. تربیت خلاق پوششی است که بشر به وسیله آن می‌تواند از عظمتی که در خود دارد استفاده کند.

هنگامی که یک عالم علم تربیت از نظریه‌های تربیتی و تاریخ تربیت بحث می‌کند، تا حد زیادی ارزشهایی را که خود بدانها معتقد است و نظری را که نسبت به عالم دارد مکشوف می‌سازد. چیزی که در تربیت اهمیت دارد دلیری در ارزشیابیهاست، نه شایستگی محض در بیان واقعیتها. وقتی که یک متخصص علوم نظری بر اندیشه‌های گذشته حاشیه می‌نویسد یا هنگامی که برای بالابردن شأن دانشگاهی خود می‌کوشد، کار بسیار کوچکی انجام می‌دهد. وظیفه اصلی او این است که افق آینده را پیش‌بینی کند. به گفته هایدگر¹، فیلسوف نگهبان هستی است، زیرا او بیش از همه چیز برای آینده زندگی می‌کند و از این راه سرنوشت بشر را تعیین می‌کند.

قدردانی از تمام کسانی که کمکشان تألیف این کتاب را ممکن ساخته بسیار مشکل است. مدیون ناشران بسیاری هستم که با کمال سخاوت راضی شده‌اند از آثاری که حق چاپشان با ایشان بوده مطالبی نقل کنم. از اشخاص ذیل که تمام کتاب یا قسمتی از آن را خوانده‌اند و انتقادهای بجایی کرده یا نظرهای سودمندی داده‌اند از صمیم قلب متشکرم.

ویلیام کیلپاتریک² استاد مرکز تربیت معلم دانشگاه کلمبیا، مرل برومن³ استاد دانشگاه ویسکانسین، لستر ساندز⁴ استاد دانشکده سانتا باربارا در دانشگاه کالیفرنیا، اورت کرچر⁵ و برنارد هل⁶ استادان دانشگاه اوهایو⁷ و امری استوپس⁸ استاد دانشگاه کالیفرنیا جنوبی. در پایان از آقایان نیلزبوسم⁹ و روبرت کریون¹⁰، کارمندان شرکت مریل¹¹، کمال تشکر را دارم که اگر راهنماییهای ایشان در تصحیح، و مهارتشان در طراحی کتاب نبود، به هیچ وجه این کتاب به صورت حاضر در نمی‌آمد.

فردریک مایر

1 . Heidegger
2 . William H. Kilpatrick
3 . Borrowman .Merle L .
4 . Lester B. Sands
5 . Everett J. Kircher
6 . Bernard Hehl .
7 . Ohio .
8 . Emery Stoops .
9 . Niels Bussem
10 . Robert Craven .
11 . Merrill